



## A Comparative Study of Three English Translations of Sūrat al-Mā'ūn by Umm Mohammad, B.A. Irving, and Thomas Cleary \*

Ali Ghanei Ardakan<sup>1</sup> and Mohammadreza Sabzi<sup>2</sup>

### Abstract



The translation of the Qur'an into various languages, particularly English, by both new Muslims and non-Muslims, has played a significant role in introducing Islamic teachings to a global audience. These translations, influenced by the cultural and religious backgrounds of the translators, can exhibit notable differences in conveying Qur'anic concepts. The importance of examining such translations lies in the fact that, despite their similar appearance, semantic and linguistic differences can impact the understanding and interpretation of the audience. The primary focus of this research is to analyze three English translations of Sūrat al-Mā'ūn by Umm Mohammad, B.A. Irving, and Thomas Cleary, identifying their differences, and explaining and analyzing their strengths and weaknesses. To achieve this, a comparative analysis method based on criteria such as accuracy in conveying meaning, writing style, and fidelity to the original text has been employed. Accordingly, the literary and stylistic features of each translation are first examined under the relevant verses, and then, through a comparison of the three translations, the best and most suitable translation is selected. The findings of this study indicate that Umm Mohammad's translation excels in accurately reflecting the precise meanings of Qur'anic words and concepts, though its language is relatively complex. B.A. Irving's translation tends toward fluency and simplicity but lacks semantic precision in some instances. Thomas Cleary's translation successfully balances accuracy and ease of understanding for English-speaking audiences, though it occasionally leans toward interpretive approaches.

**Keywords:** Non-Muslim Translations, English Translation of Sūrat al-Mā'ūn, Umm Mohammad's Translation, B.A. Irving's Translation, Thomas Cleary's Translation.

---

\*. **Date of receiving:** 11 September 2024; **Date of correction:** 3 November 2024; **Date of approval:** 6 November 2024.

1. Assistant Professor, Department of Quranic Studies and Orientalists, Al-Mustafa International University and Researcher at Al-Mustafa International Research Institute, Afghanistan; (syedhosein\_alaviiri@miu.ac.ir)

2. Graduate Student, Quran and Orientalists Program, Specialized Center for Imam Ali ibn Abi Talib (A) Qom, Iran, "Corresponding Author"; (mohamadrezasabzi950@yahoo.com)



## بررسی تطبیقی سه ترجمه انگلیسی ام‌محمد، بالنتین ایروینگ،

### توماس کلیبری از سوره ماعون \*

سید حسین علوی<sup>۱</sup> و محمدرضا سبزی<sup>۲</sup>



#### چکیده

ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف، به‌ویژه انگلیسی، توسط نومسلمانان و غیرمسلمانان، نقش بسزایی در معرفی آموزه‌های اسلامی به مخاطبان جهانی ایفا کرده است. این ترجمه‌ها، با توجه به زمینه‌های فرهنگی و دینی مترجمان، می‌توانند تفاوت‌های چشمگیری در انتقال مفاهیم قرآنی ایجاد کنند. اهمیت بررسی این نوع ترجمه‌ها در آن است که، به‌رغم ظاهر مشابه، تفاوت‌های معنایی و زبانی در آنها می‌تواند بر فهم و تفسیر مخاطبان تأثیر بگذارد. مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی سه ترجمه انگلیسی ام‌محمد، بالنتین ایروینگ و توماس کلیبری از سوره ماعون و کشف تفاوت‌های آنها و تبیین و تحلیل نقاط قوت و ضعف آنها از این رهگذر است. برای رسیدن به پاسخ سوال مد نظر، از روش تحلیل تطبیقی بر پایه معیارهایی همچون دقت در انتقال معنا، سبک نگارش و وفاداری به متن اصلی استفاده شده است. بنابراین، ابتدا ویژگی‌های ادبی و نگارشی هر ترجمه ذیل آیه مربوطه تبیین و بررسی شده و سپس از رهگذر مقایسه سه ترجمه، بهترین مناسب‌ترین ترجمه انتخاب شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ترجمه ام‌محمد به لحاظ دقت در انعکاس معنای دقیق کلمات و مفاهیم قرآنی برتری دارد، اما زبان آن نسبتاً پیچیده است. ترجمه بالنتین ایروینگ به روانی و سادگی زبان گرایش داشته، اما در برخی موارد از دقت معنایی آن کاسته شده است. ترجمه توماس کلیبری نیز تلاشی موفق در حفظ تعادل میان دقت و سهولت درک برای مخاطب انگلیسی‌زبان داشته، اما در بعضی موارد تفسیرگرایانه عمل کرده است.

واژگان کلیدی: ترجمه‌های غیرمسلمانان، ترجمه انگلیسی سوره ماعون، ترجمه ام‌محمد، ترجمه بالنتین ایروینگ، ترجمه توماس کلیبری.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶.

۱. استادیار گروه قرآن و مستشرقان، جامعة المصطفی ص العالمية و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، افغانستان؛ (syedhosein\_alaviini@miu.ac.ir)

۲. دانشجوی رشته قرآن و مستشرقان، مرکز تخصصی امام‌علی ابن ابی طالب ع، قم؛ ایران، «نویسنده مسئول»؛ (mohamadrezasabzi950@yahoo.com)



## مقدمه

ترجمه قرآن کریم به زبان‌های مختلف همواره یکی از چالش‌های اساسی در حوزه مطالعات اسلامی و زبان‌شناسی به شمار می‌رود. این کتاب مقدس، با ساختار زبانی و محتوایی منحصر به فرد خود، مفاهیمی عمیق در زمینه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی ارائه می‌دهد که انتقال صحیح آن به زبان‌های دیگر، نیازمند دقت، دانش و مهارت بالاست (زمانی و قافی، ۱۴۰۳).

سوره مبارکه ماعون یکی از سوره‌های کوتاه قرآن کریم است که علی‌رغم حجم اندک خود، مضامین اجتماعی و اخلاقی ارزشمندی را در بر دارد. این ویژگی‌ها، ترجمه آن به زبان انگلیسی را از اهمیتی ویژه برخوردار کرده است.

در این راستا، بررسی سه ترجمه برجسته از مترجمان معروف، خانم ام‌محمد (Emily Assami)، بالنتین ایروینگ (Thomas Ballentine Irving) و توماس کلیبری (Thomas Cleary) زمینه‌ای مناسب برای تحلیل دقیق رویکردهای ترجمه و چگونگی انتقال مفاهیم اصلی این سوره فراهم می‌کند.

**بیان مسئله:** ترجمه قرآن کریم به دلیل پیچیدگی‌های زبانی و فرهنگی، همواره با چالش‌های قابل توجهی مواجه بوده است. مترجمان نه تنها باید به ترجمه دقیق و لغوی واژگان توجه داشته باشند، بلکه باید تولنایی انتقال پیام و روح حاکم بر متن را نیز دارا باشند. این مسئله به‌ویژه در مورد سوره ماعون، که به موضوعاتی چون نفاق، انفاق و مسئولیت‌های اجتماعی می‌پردازد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این پژوهش، سه ترجمه انگلیسی از سوره ماعون مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود هر یک از مترجمان چگونه این مفاهیم را به زبان انگلیسی منتقل کرده‌اند و تا چه اندازه توانسته‌اند دقت معنایی و مفهومی متن اصلی را حفظ کنند.

**ضرورت بحث:** گسترش اسلام در جهان و افزایش تعداد افرادی که به دنبال فهم قرآن به زبان‌های غیرعربی هستند، اهمیت بالای ترجمه‌های دقیق و صحیح این کتاب مقدس را برجسته می‌سازد. ترجمه‌های مختلف قرآن، به‌ویژه سوره‌هایی با مضامین اجتماعی و اخلاقی مانند سوره ماعون، می‌تواند تأثیر عمیقی بر درک مخاطبان از مفاهیم دینی داشته باشد. از این رو، تحلیل و مقایسه ترجمه‌های مختلف، کمک شایانی به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر ترجمه و بهبود ترجمه‌های آینده خواهد کرد. همچنین، این بحث می‌تواند به تبیین رویکردهای متفاوت مترجمان در مواجهه با متون مقدس و بررسی چگونگی تأثیر این رویکردها بر فهم و تفسیر آیات قرآنی کمک کند.

## معرفی مترجمان

**امیلی آسامی:** یکی از شخصیت‌های شناخته‌شده در زمینه دعوت اسلامی است که در نیمه دوم قرن بیستم میلادی فعالیت داشت. او به خاطر داستان پرآوازه‌اش در مورد گرویدن به اسلام و فعالیت‌هایش در ترویج آموزه‌های اسلامی، به ویژه در بین غیرمسلمانان، معروف است. مترجمی که در این نوشتار با نام «Emily Assami» از وی یاد می‌شود. قابل ذکر است که این ترجمه، علی‌رغم اینکه خانم‌ها «ماری کندی» و «امه الله بنتلی» نیز در نگارش آن شریک هستند، به نام امیلی آسامی شناخته شده است. ایشان با رویکردی تفسیری به ترجمه قرآن کریم پرداخته و تلاش کرده است تا معانی آیات را با دقت بالا به زبان انگلیسی منتقل کند. ترجمه او به دلیل دقت در انتقال معانی و اهتمام به تفاسیر اسلامی، مورد توجه قرار گرفته است ([www.arabnews.com/node/362726](http://www.arabnews.com/node/362726)).

**بالتین اروینگ:** توماس بالتین اروینگ مستشرق آمریکایی بود که در سال ۱۹۱۴ متولد و در سال ۲۰۰۲ درگذشت. او از مترجمان صاحب‌نامی است که با تأکید بر دقت زبانی و تطابق با ساختار ادبی قرآن، ترجمه‌ای ارائه کرده است که سعی در حفظ سبک ادبی و هنری متن اصلی دارد. اروینگ با رویکردی علمی به بررسی زبان قرآن پرداخته است. در این نوشتار، از وی با عنوان «ThomasBallentine Irving» یاد می‌شود. وقتی او دین خود را از مسیحیت به اسلام تغییر داد، نام اسلامی «طه» را برای خود انتخاب کرد. ایشان از اولین آمریکایی‌ها بود که قرآن را به زبان انگلیسی ترجمه کرد و ترجمه وی به عنوان یک ترجمه محبوب و معتبر بین مسلمانان رواج یافت. وی در سال ۱۸۹۳ جایزه ستاره امتیاز را از دولت پاکستان برای خدماتش در راستای ترجمه قرآن به اسلام دریافت کرد ([www.al-islam.org/person/dr-t-b-irving](http://www.al-islam.org/person/dr-t-b-irving)).

**توماس کلییری:** مترجم آمریکایی متولد ۲۴ آوریل ۱۹۴۹ بود که در سن ۷۲ سالگی درگذشت. «Thomas Cleary» به دلیل تخصصش در ترجمه متون اسلامی و فلسفی، ترجمه‌ای روان و قابل فهم از قرآن ارائه داده است. کلییری تلاش کرده است تا ضمن حفظ معنای اصلی، جنبه‌های معنوی و اخلاقی قرآن را به مخاطبان غربی منتقل کند. او به عنوان یک پژوهشگر و مستشرق به بررسی و ترویج مفاهیم اسلامی پرداخته و همواره به عنوان یک غیرمسلمان با آثار اسلامی ارتباط برقرار کرده و تغییری در آیین خود نداده است (<https://web.archive.org/web/20091214205315>). (<http://www.fonsvitae.com/qurancleary.html>)



## پیشینه

کتابی که به طور خاص با موضوع نوشتار پیش رو هم‌راستا بوده و قابل نقد و بررسی باشد، تاکنون نگاشته نشده است؛ اما چند اثر مرتبط با این موضوع در دسترس است که به شرح زیر می‌باشد:

«قرآن: ترجمه‌ای نو» - م. ا. س. عبدالحلیم: این کتاب به عنوان یکی از منابع مرجع در ترجمه قرآن به زبان انگلیسی، به بررسی انواع ترجمه‌ها پرداخته است. با این حال، به طور مستقیم به ترجمه‌های خانم ام‌محمد، بالتین ایروینگ و توماس کلیبری که موضوع اصلی نوشتار پیش رو است، اشاره‌ای ندارد.

«رویکردها به قرآن» - جی. آر. هاوتینگ و عبدالقادر آ. شریفی: این کتاب مجموعه‌ای از مقالات مختلف است که به روش‌های مختلف ترجمه و تفسیر قرآن می‌پردازد. مقالات موجود در این اثر به ترجمه‌های انگلیسی قرآن اشاره می‌کنند که می‌تواند برای درک رویکردهای مختلف ترجمه قرآن، از جمله کارهای بالتین ایروینگ و کلیبری مفید باشد؛ اما ترجمه خانم ام‌محمد در آن بررسی نشده است.

«ترجمه قرآن: چالش‌های ترجمه زبان شناختی، سبک‌شناختی و الهیاتی» - عبدالله سعید: این کتاب به چالش‌های ترجمه قرآن و تفاوت‌های زبانی، فرهنگی و تفسیری آن می‌پردازد و ترجمه‌های انگلیسی را از منظرهای مختلف بررسی می‌کند. در برخی بخش‌ها، ترجمه‌های مترجمان مختلف تحلیل شده است، اما مسائل نوشتار پیش رو در این کتاب مطرح نشده است.

«ترجمه انگلیسی قرآن» نوشته عبدالحلیم: این کتاب یکی از منابع برجسته در زمینه ترجمه قرآن به زبان انگلیسی است. نویسنده در این اثر با نگاهی جامع به تاریخچه و روند تکامل ترجمه قرآن، به بررسی ترجمه‌های مشهور مانند ترجمه‌های پیکثال، یوسف علی و دیگران پرداخته است. وی با تحلیل دقیق مشکلات معنایی و زبانی که در فرایند ترجمه متون قرآنی وجود دارد، تلاش می‌کند تا اهمیت حفظ زیبایی‌های ادبی و بلاغی قرآن را در کنار انتقال دقیق معنای آیات تبیین کند. عبدالحلیم تأکید می‌کند که هر ترجمه‌ای باید بتواند ارتباط بین خواننده و متن اصلی را حفظ کند و از این رو، ترجمه تنها به معنای انتقال کلمات نبوده، بلکه باید حاوی تفسیری عمیق و درست از مفاهیم دینی و ادبی قرآن باشد. این کتاب علی‌رغم اینکه منبعی مفید در حوزه مطالعات اسلامی و ترجمه متون مقدس است و راهکارهایی برای بهبود ترجمه‌های آینده ارائه می‌دهد، به بررسی ترجمه‌های مورد نظر در این مقاله اشاره نکرده است.

«الترجمة و التفسیر فی القرآن» اثر عبدالله دراز: این کتاب به تحلیل ارزشمند رابطه میان تفسیر و ترجمه قرآن پرداخته است، اما برخی نواقص کلیدی دارد که پژوهش حاضر آن‌ها را پوشش می‌دهد.

یکی از ضعف‌های این کتاب، تمرکز بیش از حد بر مباحث نظری و کلی است؛ دراز با وجود اشاره به اهمیت تفسیر در ترجمه، نمونه‌های واقعی از تفاوت‌های معنایی در ترجمه‌های خاص را ارائه نمی‌دهد، که این مسئله درک تأثیرات عملی تفسیر بر ترجمه را برای خواننده دشوار می‌کند.

ضعف دیگر کتاب، عدم تحلیل مقایسه‌ای و تطبیقی میان ترجمه‌های مختلف است. دراز به جای بررسی ترجمه‌های مشخص و رویکردهای مترجمان مختلف، به تحلیل‌های نظری پرداخته و از مطالعه موارد عینی و تفصیلی ترجمه‌ها غافل مانده است.

«تاریخ ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی»، اثر محمدمباقر حجتی: این کتاب یکی از منابع مهم در زمینه تاریخچه ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف اروپایی است. به طور کلی تاریخچه و تحولات ترجمه‌های قرآن را از جنبه‌های تاریخی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه برخی نقاط قوت و ضعف این کتاب برای شناخت عمیق‌تر آن اشاره می‌شود.

نقاط قوت کتاب: ۱. جامعیت تاریخی: کتاب حجتی به طور دقیق تاریخچه ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی را از اولین ترجمه‌ها تا دوره‌های معاصر مورد بررسی قرار می‌دهد. این جامعیت، امکان درک بهتر سیر تحولات و تأثیرات متقابل فرهنگی را فراهم می‌کند؛ ۲. تحلیل فرهنگی و تاریخی: نویسنده با ارائه اطلاعات زمینه‌ای درباره وضعیت اجتماعی و فرهنگی جوامعی که ترجمه قرآن در آن‌ها انجام شده، به خواننده کمک می‌کند تا بهتر بفهمد چگونه و چرا برخی تفاسیر و برداشت‌ها از قرآن شکل گرفته‌اند؛ ۳. مستندسازی: استفاده از منابع و مستندات تاریخی و پژوهشی به اعتبار کتاب افزوده و آن را به منبعی قابل اعتماد برای مطالعه تاریخی تبدیل کرده است.

ضعف‌های کتاب: ۱. عدم تمرکز بر جنبه‌های زبان‌شناسی و تطبیقی: هر چند کتاب به بررسی ترجمه‌های مختلف پرداخته، اما کمتر به تحلیل زبانی و تکنیکی ترجمه‌ها پرداخته است. برای پژوهش‌هایی که به بررسی تطبیقی و روش‌های ترجمه می‌پردازند، این جنبه می‌تواند محدودیت باشد؛ ۲. توجه کمتر به ترجمه‌های معاصر: کتاب حجتی بیشتر به ترجمه‌های قدیمی و تاریخی پرداخته و توجه کمتری به ترجمه‌های مدرن دارد. از این رو، پژوهش‌هایی که به مقایسه تطبیقی ترجمه‌های معاصر علاقه‌مند هستند، ممکن است نیاز به منابع مکمل داشته باشند؛ ۳. عدم بررسی عمیق ترجمه‌های انگلیسی خاص: در حالی که کتاب به ترجمه‌های عمومی قرآن پرداخته، به طور خاص ترجمه‌های افراد خاصی مانند ام‌محمد، بالنین ابروینگ یا توماس کلیبری را پوشش نمی‌دهد.

نقاط قوت مقاله «بررسی تطبیقی سه ترجمه از سوره ماعون»: ۱. تحلیل تطبیقی دقیق: یکی از نقاط قوت اصلی چنین مقاله‌ای می‌تواند تحلیل تطبیقی دقیق میان سه ترجمه باشد. این نوع مقایسه به



خواننده کمک می‌کند تا تفاوت‌های سبکی، محتوایی و زبانی میان ترجمه‌ها را درک کند؛ ۲. بررسی روش‌های ترجمه: مقاله‌ای که روش‌های مختلف ترجمه‌ها را بررسی و تحلیل کند، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در مورد رویکردهای مترجمان مختلف ارائه دهد و نشان دهد که چگونه این رویکردها بر تفسیر و انتقال مفاهیم قرآنی تأثیر گذاشته‌اند؛ ۳. توجه به محتوای سوره و پیام آن: تحلیل مفهوم و پیام سوره ماعون و مقایسه آن در ترجمه‌های مختلف، به عمق بخشیدن به بحث مقاله کمک می‌کند و باعث می‌شود خواننده بهتر درک کند که چگونه مفاهیم قرآنی در ترجمه‌های مختلف بازنمایی شده‌اند.

مقاله حاضر با پرداختن به این ضعف‌ها، با تحلیل تطبیقی و عینی سه ترجمه انگلیسی سوره ماعون توسط ام‌محمد، بالتین، و ایروینگ، به‌طور مشخص نشان می‌دهد که چگونه دیدگاه‌های تفسیری متفاوت این مترجمان به انتخاب‌های معنایی و زبانی خاص منجر شده است. این مقاله همچنین با بررسی جزئی‌نگرانه و مقایسه مستقیم، به نقاط قوت هر ترجمه و چگونگی تأثیر تفاوت‌های تفسیری و فلسفی بر متن قرآنی پرداخته و خواننده را قادر می‌سازد تا تأثیر دیدگاه‌های تفسیری بر ترجمه‌های قرآن را به‌طور ملموس درک کند.

#### رساله دکتری «مطالعه تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی سوره ماعون» (A Comparative Study of the English Translations of Surah Al-Ma'un):

رساله دکتری با عنوان فوق، نوشته نادیا خان، با ارائه یک مطالعه تطبیقی جامع و استفاده از چارچوب‌های نظری معتبر، یکی از پژوهش‌های ارزشمند در حوزه مطالعات ترجمه قرآن است. با این حال، علاوه بر نقاط قوت آن، کمبود توجه به تحلیل مخاطب‌محور و زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، تمرکز بیش از حد بر تفاوت‌های زبانی و عدم ارائه پیشنهادها عملی از جمله نقاط ضعفی است که در پژوهش‌های آینده می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در نوشتار حاضر، سعی بر آن است که ضمن برطرف کردن نقایص ذکرشده، به نقش خواننده در فهم ترجمه‌ها توجه ویژه شده و این مهم همواره مد نظر قرار گیرد تا مقاله غنی‌تر شود و بر مخاطبان گوناگون تأثیر گذاشته و مفاهیم قرآنی را به صورتی که هستند، درک کنند. علاوه بر این، راهکارهایی برای بهبود ترجمه‌های آینده و اصلاح رویکردهای فعلی ارائه شده است تا برای مترجمان و پژوهشگران کاربردی‌تر باشد.

محور اصلی بحث، سه ترجمه انگلیسی از قرآن است که یکی از آن‌ها متعلق به خانم ام‌محمد، دومی به بالتین ایروینگ و سومی به توماس کلیبری تعلق دارد. در این مقاله، هر ترجمه از جنبه‌های ادبی و لغوی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، ترجمه‌ای که بیشترین تطابق را با متن مبدأ دارد،

انتخاب می‌شود. ترجمه فارسی که در ابتدای بررسی هر آیه ارائه می‌شود، از تفسیر گران‌سنگ نمونه گرفته شده و مفردات آیه نیز از تفسیر المیزان بیان گردیده است. در بیان نکات تکمیلی نیز از سایر آثار مرتبط بهره برده شده است. در مرحله بعد، تبیین و بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی ارائه می‌شود.

## سورة ماعون

سوره ماعون، صد و هفتمین سوره قرآن کریم با هفت آیه، موضوع تحقیق حاضر است که به صورت تطبیقی و به ترتیب آیات مورد بررسی قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب سوره ماعون از بین ۱۱۴ سوره قرآن کریم این است که سوره ماعون به بررسی مفاهیم کلیدی نظیر "رویت"، "یوم الدین"، "تکذیب دین"، "دع"، "حصص"، "طعام مسکین"، "مصلین"، "ساهون"، "رئاء" و "ماعون" که هر کدام بحث‌های تفسیری مفصل داشته و بین مفسران در تفسیر این واژه‌های عمیق در این سوره اجتماعی اختلاف شده است، می‌پردازد. متأسفانه، برخی از مترجمان انگلیسی در انتقال این مفاهیم عمیق و معانی اخلاقی و اجتماعی مستتر در سوره، دچار کاستی شده‌اند. در ادامه، با استفاده از تفسیرهای نمونه و المیزان، این مفاهیم به تفصیل بررسی شده و نقص‌های ترجمه‌های ارائه شده برطرف گردیده تا مخاطب برداشت مطلوبی از آیات شریفه این سوره داشته باشد.

اولین آیه‌ای که در این سوره مورد بحث قرار می‌گیرد آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است.

### ۱. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

- **Emily Assami:** Bismillahir-Rahmanir-Raheem

این ترجمه برای کسی که عربی نمی‌داند و سنخیتی با «بسم الله» ندارد نمی‌تواند مفهومی تازه را روشن کند و واژگانی با مفهوم جدید در ذهن او جاری کند.

- **Thomas Ballentine Irving:** In The Name Of God, The Mercy-Giving, The Merciful!
- **Thomas Cleary:** In The Name Of God, The Benevolent, The Merciful

به نظر می‌رسد که ترجمه اخیر از میان ترجمه‌های فوق، مناسب‌ترین ترجمه برای بسم الله باشد. به دلیل استفاده از کلمه «Benevolent» که در کتب لغت به معنای بخشنده و مهربان است. کلمه «The Merciful» نیز اصطلاحی است که در انگلیسی برای رساندن معنای مهربانی همراه با بخشنده‌گی مورد استفاده قرار می‌گیرد.





در این آیه، بهترین ترجمه با توجه به توضیحات و ترجمه‌های هر سه مترجم، ترجمه کلیبری است. چرا که مترجم سعی کرده است بهترین و رساترین واژه‌ها را برای زبان عربی، که فهم آن نیازمند تسلط زیادی به مبانی و قواعد عربی است، به کار گیرد. این ترجمه در بسیاری از ترجمه‌های قرآن استفاده شده است و از اصطلاح «The Benevolent, The Merciful» که بهترین معادل انگلیسی برای رساندن معنای «الرحمن الرحیم» است، بهره برده است (www.islamawakened.com).

## ۲. أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْأَيِّنِ

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می‌کند مشاهده کردی؟ آنچه برای فهم آیه شایسته است مورد بررسی قرار گیرد بررسی شده و نتیجه حاصل از آن ارائه می‌شود. اولین واژه قابل بحث در این آیه کلمه «رؤیت» است.

### معنای رؤیت

برای واژه «رؤیت» در کتب لغت دو معنا ذکر شده است:

۱. به معنای دیدن با چشم (مصطفوی، بی تا، ۸).

۲. دیدن به قلب؛ شناخت و معرفت قلبی (همان).

برای آنکه از بین دو معنی ذکر شده بهترین معنی گزینش شود، رجوع به بحث ادبی آیه ضروری به نظر می‌رسد. محی‌الدین درویش درباره این آیه می‌گوید: همزه‌ای که بر سر ماده «رأی» در این آیه وارد شده است برای استفهام است و در اینجا که با فعل «رأیت» به کار رفته است به معنای «أخبرنی؛ مرا خبر بده» است. او در ادامه می‌گوید فقط این مورد نیست بلکه موارد فراوان دیگری شبیه این مورد قبلاً ذکر شده است. رؤیت در اینجا می‌تواند معنای قلبی داشته باشد و متعدی به دو مفعول باشد. یکی از آن دو مفعول اسم موصولی است که بعد از آن آمده است و دیگری محذوف و معنای آن به این صورت است که آیا تو می‌شناسی کسی که دین را تکذیب می‌کرد، او کیست؟ در مقابل برخی هم گفته‌اند رؤیت به معنای رؤیت با چشم است و نیازی به تقدیر مفعول نیست (درویش، ۱۴۱۵: ۵۹۴/۱۰). همچنان که خود او نیز از قول دوم با قیل یاد می‌کند، این قول با مراجعه به سایر تفاسیر نیز مردود است و اکثر مفسران معنای شناخت و معرفت قلبی را پذیرفته‌اند. همچنان که مرحوم طبرسی قول به شناخت و معرفت قلبی را پذیرفته است (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲: ۵۴۵/۴).

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرمایند در اینجا احتمال دوم مراد است و خطاب به نبی اسلام می‌گوید آیا کسی که روز جزا را انکار می‌کرد را می‌شناسی؟ یا در حالت دوم که این آیه را خطاب به نبی مکرم اسلام بدانیم از آن جهت که فردی شنونده است نه از آن جهت که پیامبر است (طباطبایی، ۱۴۰۲:

۳۶۸/۲۰) تا همه انسان‌ها در همه اعصار را شامل شود و هر انسانی این سوره را می‌خواند همواره این معانی و مصادیق از جامعه خود را در ذهن خود تصور کند و به شناخت درستی از جامعه پیرامون خود برسد (ر.ک: قاسمی شوب، نبوی، ۱۴۰۱).

### مراد از تکذیب دین

برای کلمه "دین" در آیه شریفه نظریات متعددی بیان شده است. برای این منظور نظریاتی ارائه شده و بعد از بررسی این نظریات، نظریه مختار بیان می‌شود.

### دین

دین در علم صرف از حروف «المدال و الیاء و النون» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۱۹/۲) است. خلیل فراهیدی در استعمال اصیل این واژه می‌گوید: «دین مصدری است به معنای پاداش (جزا)، طاعت» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۳/۸). از جمله استعملاتی که جوهری در استعمال مشهور واژه «دین» طرح می‌کند: «الدِّینُ: الجزاء و المكافأة» (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۱۱۸/۵) دین یعنی پاداش و پاداشی که مطابق عمل باشد اعم از خوب یا بد.

ابن منظور در تنوع استعمالات دین از جمله استعمالی که به کار می‌برد: «یومُ الدِّینِ: یومُ الجزاء» (ابن منظور، بی‌تا، ۱۶۹/۱۳). یوم الدین یعنی روز جزا و پاداش. همچنین وی استعمال بعدی را «و الدِّینُ الحسابُ» (همان) دین یعنی حساب و رسیدگی، می‌داند. استعمال دیگری که ابن منظور به کار می‌برد: «و الدِّینُ الطاعة» (همان) دین اطاعت و پیروی کردن، است «و الدِّینُ: السلطان. و الدِّینُ: الورع. و الدِّینُ: القهر. و الدِّینُ: المعصية. و الدِّینُ: الطاعة» (ابن منظور، بی‌تا، ۱۷۱/۱۳) دین یعنی حجت، پرهیزگاری، غلبه، معصیت و خلاف طاعت، پیروی و سر تسلیم فروآوردن.

در بیان مراد جدی واژه «دین» بلید به کتاب تاج العروس که شیوه آن پرداختن به مراد جدی از به کاربردن واژه‌هاست، رجوع کرد. زبیدی در بیان مراد جدی این واژه می‌گوید: «الدِّینُ، بالكسر: الجزاء و المكافأة» و «الدِّینُ: الإسلام» (زبیدی، بی‌تا، ۲۱۵/۱۸) دین یعنی انقیاد و تسلیم بی چون و چرا در برابر حکم الهی و سرفروود آوردن بی چون و چرا در برابر امر و نهی (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۶۶/۷). مرتضی زبیدی در عبارتی دیگر برای این مسئله می‌گویند: «و الدِّینُ: الطاعة، و هو أصلُ المعنی» (زبیدی، بی‌تا، ۲۱۶/۱۸) دین یعنی طاعت و فرمانبرداری و این معنای مختار مرتضی زبیدی در استعمال این واژه است (ر.ک: زمانی و اسکندرلو، ۱۴۰۳).

استعمالات دیگری که مرتضی زبیدی برای دین نقل کرده بدین صورت است: «الدِّینُ: الحسابُ»، «الدِّینُ: القهر و العلبه و الاستعلاء»، «الدِّینُ: السلطان»، «الدِّینُ: المُلک»، «الدِّینُ: الحُکم»، «الدِّینُ: السَّیرة»، «و



لَلدِّينِ: التَّيْبِيرُ»، «وَاللِّدِينُ: التَّوْحِيدُ»، «وَاللِّدِينُ: اسْمٌ لِمَا يَتَعَبَّدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ»، «لَلدِّينِ: الْمِلَّةُ»، «لَلدِّينِ: الْوَرَعُ»، «لَلدِّينِ: الْمَعْصِيَةُ»، «وَالدِّينُ: الْإِكْرَاهُ»، «الدِّينُ: الْحَالُ»، «الدِّينُ: الْقَضَاءُ» (همان).

با توجه به آنچه از نظر نگارنده نوشتار پیش رو برای دستیابی به معنای لغوی یک واژه ضروری به نظر می‌رسید، معنای لغوی کلمه «دین» به صورت زیر بیان می‌شود:

با توجه به آنچه ذکر شد و با در نظر گرفتن سیاق آیه شریفه سوره ماعون، بهترین معنا برای "دین" به معنای روز جزا یا همان قیامت است. (در ادامه، قول مرحوم علامه طباطبایی مؤید این مطلب خواهد بود.) البته سایر معانی را نیز می‌توان با تقدیرهایی معنای دین دانست، اما عدم تقدیر اولی است. وجوه مختلف برای معنا کردن دین مطرح است:

۱. تکذیب دین و اسلام: یکی از این وجوه این است که مراد کسی است که دین و اسلام را تکذیب می‌کند. این فرد یا منکر وجود خداست یا منکر نبوت یا منکر معاد و یا منکر چیز دیگری از شریعت است. او برای صحت ادعای خود توضیح می‌دهد: الزاما هر کسی باید دینی داشته باشد. دین مطلق در اصطلاح اهل اسلام و قرآن همان اسلام است: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ (آل عمران/ ۱۹)، اما سایر مذاهب تنها با قیدی دین نامیده می‌شوند مثل دین مسیحیت یا دین یهودیت. همچنین این عقاید باطل دین محسوب نمی‌شوند، زیرا دین به معنای خضوع در برابر خداوند است و این مذاهب در حقیقت خضوع در برابر شهوات یا شبهات هستند.

۲. حساب و جزا: دیدگاه بیشتر مفسران این است که منظور از دین، حساب و جزا است. آن‌ها می‌گویند حمل این آیه بر این معنا مناسب‌تر است، زیرا کسی که اسلام را انکار می‌کند ممکن است اعمال خوبی انجام دهد و از زشتی‌ها پرهیز کند اگر به قیامت و بعث اعتقاد داشته باشد. اما کسی که بی‌توجه به هر قبیحی دست می‌زند، تنها کسی است که منکر بعث و قیامت است. (ر.ک: فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۳۰۳/۳۲)

با توجه به بیان مرحوم علامه طباطبایی، معنای مختار در کلمه "دین" در این آیه «یوم الجزا» یعنی همان روز معاد است (طباطبایی، ۱۴۰۹: ۳۶۸/۲۰)

### يُكذِّبُ

فعل «يُكذِّبُ» در ترکیب تکذیب دین مورد بحث قرار می‌گیرد:

- طبرسی در مجمع‌البیان اشاره می‌کند که «يُكذِّبُ» به معنای انکار دین و معاد است. او بیان می‌کند که این فعل به کسانی اطلاق می‌شود که نه تنها دین را انکار می‌کنند، بلکه بر این انکار اصرار می‌ورزند. وی معتقد است که این انکار مستقیماً بر رفتار اجتماعی فرد اثر گذاشته و او را به بی‌اعتنایی به حقوق دیگران سوق می‌دهد. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۰/۸۳۲-۸۳۵)

- در تفسیر نمونه، «يُكذِّبُ» به معنای انکار عملی دین ذکر شده است. آیت الله مکارم شیرازی اشاره می‌کند که این تکذیب تنها به زبان نیست، بلکه رفتارهای فرد نیز گواهی بر این انکار است. او این تکذیب را به کسانی نسبت می‌دهد که با اعمال و رفتار خود از عدالت و توجه به دیگران دوری می‌کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۳۵۹)

- ملا محسن فیض کاشانی در تفسیر صافی معتقد است که «يُكذِّبُ» به معنای دروغ‌پنداشتن روز جزا و قیامت است. وی این فعل را دلالت بر نوعی از انکار می‌داند که ناشی از جهالت و نفاق است و اشاره به افرادی دارد که باطن خود را از ایمان به قیامت تهی کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۸۰/۵-۳۸۱).

- آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم بر این نکته تأکید دارد که «يُكذِّبُ» به معنای انکار حقیقی دین و معاد است. او این تکذیب را به نوعی از انکار عمیق و ریشه‌دار در باورهای فرد نسبت می‌دهد که موجب می‌شود رفتارهای ناعادلانه و غیراخلاقی از او سر بزنند (javadi.esra.ir).

- طبری در جامع‌البیان این فعل را به معنای تکذیب دین و انکار روز قیامت می‌داند. او بیان می‌کند که فردی که دین و قیامت را انکار می‌کند، به دلیل عدم باور به پاداش و کیفر، اعمالی ناپسند انجام می‌دهد که در ادامه سوره به آنها اشاره شده است. (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/۲۰۱).

- زمخشری در کشاف، فعل «يُكذِّبُ» را به معنای انکار روز جزا تفسیر می‌کند. او معتقد است که این تکذیب تنها لفظی نیست، بلکه عملی است؛ یعنی کسی که قیامت را انکار می‌کند، با رفتار خود نیز نشان می‌دهد که به اصول دینی و اخلاقی اعتقادی ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۸۰۴).

- آلوسی در تفسیر روح المعانی توضیح می‌دهد که «يُكذِّبُ» به معنای دروغ‌پنداشتن روز حساب و قیامت است. او بیان می‌کند که تکذیب دین و قیامت باعث می‌شود فرد هیچ‌گونه اعتقادی به مسئولیت‌های دینی و اخلاقی نداشته باشد و این امر در اعمال ناپسند او جلوه می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۷۵/۱۵).

- قرطبی در تفسیر احکام القرآن می‌گوید که «يُكذِّبُ» به معنای انکار حقیقت دین است. او تأکید دارد که این تکذیب از روی آگاهی است و به کسانی اشاره دارد که عمداً حقایق دینی را نادیده می‌گیرند و انکار می‌کنند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰/۲۱۱).

شوکانی در فتح‌القدیر معتقد است که «يُكذِّبُ» به معنای انکار دین و روز قیامت است. او تأکید می‌کند که این انکار موجب می‌شود فرد به راحتی از ارزش‌های دینی و اخلاقی عبور کرده و به اعمالی همچون بی‌اعتنایی به حقوق فقرا و یتیمان روی آورد (شوکانی، فتح‌القدیر، ۶۱۱/۵).



با توجه به این توضیحات، ماده «کذب» در باب تفعلیل به معنای نسبت دادن کذب با شدت و حدت است. این مفهوم به فردی اشاره دارد که دین را با نهایت شدت تکذیب می‌کند. به بیان دیگر، مراد از تکذیب در اینجا، عدم اعتقاد منافقان است؛ کسانی که به ظاهر سخنانشان هم‌راستا با حق است اما اعتقاد قلبی آنها کاملاً برخلاف آن است (قرشی، ۱۳۷۱: ۹۹/۶).

به تعبیر علامه طباطبایی، کذب در این آیه به معنای «تکذیب مخبری» است نه «تکذیب خبری». به عبارت دیگر، تکذیبی که توسط این افراد صورت می‌گیرد، برای نادیده گرفتن مسئولیت‌های دینی و اجتماعی است و همین امر موجب بروز رفتارهای ضد دینی در آنها می‌شود. در نتیجه باید گفت: کسی که همواره دین یا همان روز جزا را تکذیب می‌کند، در واقع منکر معاد است.

ترجمه انگلیسی آیه مذکور:

- Emily Assami: Have you seen the one who denies the recompense?

ترجمه: آیا منکر جزا را دیده‌ای؟

اصطلاح «Recompense» به معنای غرامت است و معادل مناسبی برای «دین» در این آیه نیست، زیرا این واژه مفهوم جبران یا غرامت را تداعی می‌کند که با مفهوم مورد نظر آیه تفاوت دارد (ر.ک: <https://abadis.ir/entofa/recompense>).

- Thomas Ballentine Irving: Have you seen someone who rejects religion?

ترجمه: آیا کسی را دیده‌اید که دین را رد کند؟

واژه «Religion» در این ترجمه مناسب نیست، زیرا «دین» در این آیه به معنای روز جزا است، نه مذهب یا آیین خاص. همچنین، واژه «Someone» برای مواردی به کار می‌رود که شخص مورد نظر برای گوینده اهمیت خاصی ندارد، در حالی که در آیه، فردی که ویژگی‌های او بیان می‌شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نکته در آیات بعدی نیز کاملاً مشهود است. (ر.ک: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/religion>).

- Thomas Cleary: Do you see the one who rejects religion?

ترجمه: «آیا کسی را می‌بینی که دین را رد کند؟»

استفاده از عبارت «The One» نزدیک‌ترین معنا به مفهوم آیه را دارد و به فرد مشخصی اشاره می‌کند که ویژگی‌های خاص او در آیه توصیف شده است. (ر.ک: <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/one>).

تفاوت بین «Have You Seen» و «Do You See» در این است که عبارت دوم به معنای «آیا اکنون کسی را می‌بینی که دین را رد می‌کند؟» است، در حالی که عبارت اول می‌گوید: «آیا تاکنون کسی را دیده‌ای که دین را رد کند؟». در اینجا به هر سه ترجمه ایراداتی وارد است و بهترین ترجمه این است که گفته شود:

### «Have You Seen The One Who Rejects The Day Of Judgement?»

آیه بعدی در مقام بیان ویژگی های فردی است که در آیه اول به آن اشاره شده است. این ویژگی ها در این آیه و آیات بعدی با ذکر مصادیقی مشخص از این افراد در جامعه توضیح داده می شود:

#### ۳. فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ

ترجمه: او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند.

تقدیر آیه به این صورت است: «فَذَلِكَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْجَزَاءِ، هُوَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ، أَي: يَدْفَعُهُ دَفْعًا عَنِيفًا بِجَهْفَةٍ وَ أذى، وَيَرُدُّهُ رَدًّا قَبِيحًا بِرَجْرٍ وَ حُسُونَةٍ» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۸۰۴/۴).

این آیه توصیف مکذب دینی است که در آیه قبل به آن اشاره شد. خداوند می فرماید که او همان کسی است که ویژگی هایی همچون راندن یتیم با نهایت خشونت و تندخویی را دارد. از جمله مفرداتی که در این آیه نیاز به توضیح دارد، کلمه «دَعَّ» است که در اینجا به صورت فعل مضارع استعمال شده است و به معنای دفع کردن با خشونت و آزار است.

#### راندن یتیم

«دع» در لغت به معنای رد کردن به زور، با جفا و به تندی است (فراهیدی، بی تا، ۸۰/۱). خلیل فراهیدی در توضیح معنای «دع»، همین آیه شریفه را به عنوان مثال ذکر می کند.

در این آیه، فاء بر سر اسم اشاره «ذلک» برای توهم معنای شرط وارد شده است. تقدیر آن بدین صورت است:

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْجَزَاءِ، فَعَرَفْتَهُ بِصِفَاتِهِ، فَإِنْ لَمْ تَعْرِفْهُ فَذَلِكَ الَّذِي...» (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۳۶۸/۲۰).

یعنی آیا کسی که روز جزا و معاد را تکذیب می کند، از راه صفاتی که لازمه تکذیب است شناخته می شود؟ اگر نتوانستی او را بشناسی، بدان که او همان کسی است که یتیم را به زور از در خانه اش می راند و از عاقبت عمل زشتش نمی ترسد. اگر این فرد روز جزا را منکر نمی شد، چنین جراتی به خود نمی داد و از عاقبت عمل خود می ترسید؛ زیرا کسی که از عاقبت خود نگران است، به یتیم رحم می کند.

#### Emily Assami: For That Is The One Who Drives Away The Orphan

ترجمه: زیرا او کسی است که یتیم را می راند.

در زبان انگلیسی، زمانی که یک عبارت فعلی دو جزئی (فعل + قید) مانند «Drives Away» استفاده می شود، متن حالت رسمی خود را از دست می دهد. بنابراین، برای ترجمه رسمی متن، بهتر است از چنین عبارات فعلی استفاده نشود (Grammar in Use, Intermediate, p. 145).



این ترجمه هرچند با آوردن «The One» دقت بیشتری دارد، اما به دلیل استفاده از فعل دو جزئی، حالت رسمی خود را از دست می‌دهد. بنابراین، این ترجمه مناسب نیست. نکته‌ای که در ترجمه حائز اهمیت است استفاده از «For» برای رساندن معنای مشابه به متن مبدأ (آیه شریفه قرآن) است. این کلمه همان فاء است که بر سر «ذلک» وارد شده است، که هیچ‌کدام از دو ترجمه‌ای که در ادامه ذکر می‌شود، این دقت را ندارند.

### **Thomas Ballentine Irving: That Is The Person Who Pushes The Orphan Aside**

ترجمه: آن کسی است که یتیم را کنار می‌زند.  
عبارت «Pushes The Orphan Aside» نیز یک عبارت فعلی دو جزئی است که ترجمه را از حالت رسمی خارج می‌کند.

### **Thomas Cleary: That Is The One Who Rebuffs The Orphan**

ترجمه: این کسی است که یتیم را رد می‌کند.  
ترجمه سوم به خاطر استفاده از کلمه «Rebuffs» (که به معنای رفتار نامهربانانه است) اشکالات دو ترجمه قبل را ندارد و بهترین ترجمه از میان این سه است. در دو ترجمه قبلی، معنای کنار زدن و رد شدن منتقل می‌شود، اما کلمه «Rebuffs» به معنای راندن با خشونت و بی‌رحمی است. اگر کلمه «For» در ابتدای این ترجمه آورده شود، بی‌نقص‌ترین ترجمه خواهد بود. (<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/rebuff>).

## **۰۴. وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ**

ترجمه: و دیگران را به اطعام مسکین تشویق نمی‌کند.  
در این آیه، اولین کلمه‌ای که شایسته بررسی است، کلمه «حَضَّ» است که به صورت فعل مضارع به کار رفته است.

### **تشویق به اطعام**

«حَضَّ» در لغت به معنای ترغیب، تحریک و تشویق است (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۳۶۸/۲۰). همچنان که راغب نیز «حَضَّ» را به معنای تحریض معنا کرده است. او به آیه سوم از سوره ماعون به عنوان شاهد مثال خود برای معنای ذکر شده استناد می‌کند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۲۴۲). از تقدیم آیه (يَدْعُ) بر آیه (يُحَضُّ) می‌توان نتیجه گرفت که مسئله تأمین عواطف انسانی برای یتیم اهمیت بیشتری از تأمین نیازهای جسمی او دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۵۹/۲۷).

تعبیر به «طعام» در آیه به قرینه آیه شریفه ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (الذاریات: ۱۹) برای آن است که مساکین مالک زکات و صدقه هستند و نیازی ندارند کسی به ایشان اطعام کند. وقتی در جامعه اسلامی طعام، که حق خود آنان است، به آنها داده شود، خودشان می‌خورند و نیازی به اطعام و منت گذاشتن بر سر فقرا نیست.

برخی از مفسرین «طعام» در این آیه را به معنای اطعام گرفته‌اند و گفته‌اند که تعبیر به طعام برای این است که شامل هم تشویق عملی به اطعام و هم تشویق زبانی باشد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۰/۳۴۳). نکته‌ای که در این آیه و آیه قبل مشهود است، این است که فعل به کار رفته در هر دو آیه به صورت مضارع است. این استعمال نشان از مستمر بودن این افعال در مورد یتیمان و مستمندان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۳۶۰).

از توجه به این چند آیه می‌توان برداشتی که در جامعه اسلامی به ثواب نزدیک‌تر است، به این صورت بیان کرد: در این آیات، مکذب دین کسی است که نه تنها خود نسبت به خوراک بی‌نوایان بی‌تفاوت است، بلکه کسی که دیگران را به این کار تحریص نمی‌کند را نیز مورد بازخواست قرار می‌دهد. انگیزه اسلام از این تشویق‌ها و تحریص‌ها، قطع کردن ریشه فقر و گرسنگی در جامعه است. کسی که خود را با این آیات تطبیق نمی‌دهد و در راه از بین بردن ریشه فقر و گرسنگی قدمی برنمی‌دارد (خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۳۹۸)، این افراد دقیقاً مصادیق روشن مکذب دین هستند.

#### **Emily Assami: And Does Not Encourage The Feeding Of The Poor.**

ترجمه: و اطعام فقرا را تشویق نمی‌کند.

اولین تفاوت در این سه ترجمه در کلمه «Encourage» است که به معنای تشویق و دلگرمی دادن است، یعنی کسی را تشویق می‌کند تا کاری را انجام دهد (<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/encourage>).

#### **Thomas Ballentine Irving: And Does Not Promote Feeding The Needy.**

ترجمه: و اطعام نیازمندان را ترویج نمی‌کند.

کلمه «Promote» هم معنای «Encourage» را دارد و هم به معنای تبلیغ کردن و ترویج دادن است (<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/promote>).

نکته دوم این است که در ترجمه اول از «The Feeding Of The Poor»، یا «Promote Feeding of The Poor»، یا ترجمه سوم «Encourage Feeding The Poor»، تفاوت‌هایی در استفاده از حروف اضافه وجود دارد. ترجمه اول به همین دلیل مناسب نیست. بعد از استفاده از افعالی مانند «Encourage» و «Promote»، فعل باید همیشه به صورت فرم -ing باشد، مگر اینکه بخواهیم بخشی





که فعل همراه با متعلقات آن به کار می‌رود، مثل عبارت ابتدای همین پاراگراف، به عنوان اسم در نظر گرفته شود که روان و سلیس نیست. همچنین، «Promote» ممکن است به معنای تبلیغ یا ترویج گسترده‌تر باشد، در حالی که «Encourage» به تشویق شخصی‌تر اشاره می‌کند (<https://abadis.ir/entofa/feeding/>).

ترجمه‌ای که برای خواننده واضح‌تر باشد و به زبان ساده و روان نزدیک‌تر باشد، معمولاً بهتر درک می‌شود. در این مورد، ترجمه توماس کلیبری و ترجمه امیلی اسامی هر دو به سادگی و وضوح نزدیک هستند، اگرچه تفاوت جزئی در استفاده از عبارت «the feeding of» در ترجمه اسامی وجود دارد که ممکن است متن را کمی رسمی‌تر کند.

استفاده از «the poor» (فقرا) در ترجمه کلیبری و خانم اسامی نسبتاً رایج است، در حالی که ترجمه بالتین ایروینگ از «the needy» (نیازمندان) استفاده کرده است. هر دو درست هستند، اما «the poor» دقیق‌تر به مفهوم کلاسیک فقرا اشاره دارد، در حالی که «the needy» ممکن است دامنه وسیع‌تری از افراد نیازمند را در بر بگیرد ([www.dictionary.com/browse/poor](http://www.dictionary.com/browse/poor)).

### **Thomas Cleary: And Does Not Encourage Feeding The Poor.**

ترجمه: و غذا دادن به فقرا را تشویق نمی‌کند.  
در نتیجه، ترجمه توماس کلیبری به دلیل سادگی و انتخاب دقیق واژگان، به نظر می‌رسد که برای خواننده امروزی مناسب‌تر باشد. ترجمه امیلی اسامی نیز به دلیل نزدیکی به همان سادگی در جایگاه دوم قرار می‌گیرد.

### **۵. فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ**

ترجمه: پس وای بر نمازگزاران.

از جمله مباحث این آیه شریفه، بررسی حرف «فاء» است که بر «ویل» وارد شده است: یک نکته ادبی: فاء فصیحه: در مورد «فاء فصیحه»، که یکی از اقسام «فاء» در علم نحو است، بحثی کوتاه و مفید لازم است. «فاء فصیحه» یکی از انواع فاء در زبان عربی است که برای بیان نتیجه یا توضیح معنوی استفاده می‌شود. این نوع فاء در جایی به کار می‌رود که عبارت یا عبارتی که بعد از فاء می‌آید، در واقع تفسیری برای جمله یا عبارت قبلی باشد، بدون اینکه مستقیماً از آن جمله نتیجه گرفته شود (امین شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱۰-۲۱۱).

نکته کلیدی در «فاء فصیحه» این است که به معنای «پس از آن» یا «به علت» است. یعنی بیان می‌کند که جمله دوم در نتیجه یا به دلیل جمله اول روی داده است، اما بدون اینکه مستقیماً رابطه علت

و اثری رسمی باشد. این فاء توضیحی و تبیینی دارد و جمله دوم را به گونه ای بیان می کند که گویی خواننده یا شنونده با توجه به جمله اول آن را پیش بینی کرده است (همان، ۲۰۹).  
(فاء) در این آیه فصیحه است و دلالت بر محذوفی می کند (درویش، ۱۴۱۵: ۵۹۴/۱۰) در اینجا، یعنی زمانی که امر این گونه است و صفاتی که ذکر شده وجود دارد، پس حالا بلید ندا داد: وای بر نمازگزاران آن جامعه.

### مذمت نمازگزاران!

کلمه «ویل» غالباً در مقام اظهار مذمت شدید، انتقاد محکم یا نفرین بر بدی و شر برای کسی به کار می رود. همچنین برای بلا و مصیبت بزرگی که منجر به نابودی و هلاکت فرد است نیز استفاده می شود (مصطفوی، بی تا، ۲۲۰/۱۳). در اینجا معنای غالبی از آن مراد است که این دسته از نمازگزاران را مورد نفرین و لعن ابدی به دلیل ترک مسئولیتی که نماز بر دوش ایشان نهاده است، قرار می دهد. تعبیر «وای بر این نمازگزاران» در ترجمه فارسی آیه شریفه دلیلی بر همین مطلب است.

**Emily Assami: So Woe To Those Who Pray**

ترجمه: پس وای بر نمازگزاران

**Thomas Ballentine Irving: It Will Be Too Bad For The Prayerful**

ترجمه: برای نمازگزاران بسیار بد خواهد بود.

**Thomas Cleary: So Woe To Those Who Pray**

ترجمه: پس وای بر نمازگزاران

در این آیه، ترجمه اول و ترجمه سوم از ترجمه های خوبی هستند؛ اول به دلیل آنکه فاء فصیحه در آیه شریفه را ترجمه کرده و این عبارت را با «So» نشان داده اند. دوم، استفاده از کلمه «Woe» به معنای غم و اندوه فراوان است که این کلمه نیز مخاطب را به معنایی که از آیه مراد بوده است، نزدیک می کند. ترجمه دوم این دو قید مهم را که در ترجمه آیه کلیدی هستند، ندارد.  
(<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/woe>).

۶. الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

ترجمه: آنان که از نمازشان غافل اند.

در بررسی مفردات این آیه، کلمه «ساهون» از جمله کلماتی است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

مراد از «ساهون»

«ساهون» از ریشه «سهو» به معنای خطا از روی غفلت است (راغب اصفهانی، بی تا، ۴۳۱). این

نوع خطا بر دو قسم است:



- نوع اول: خطایی است که انگیزه و نیروی محرک آن ناشی از انسانیت انسان نباشد، مانند دیوانه‌ای که دیگری را ناسزا می‌گوید.

- نوع دوم: سهو و خطایی است که انگیزه آن ناشی از اراده خود انسان است، مانند کسی که با اختیار خود شراب می‌نوشد و پس از آن بدون اختیار کار ناشایستی از او سر می‌زند، هر چند که قصد آن کار را نداشته باشد.

در صورت اول، فرد مورد گذشت قرار می‌گیرد، اما در قسم دوم فردی که از روی غفلت کاری مرتکب شده است، چون ناشی از سوء اختیار خودش بوده، باید مجازات شود. راغب در بیان معنای این کلمه، آیه پنجم سوره ماعون را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند (همان).  
پس معنای مد نظر در این آیه همان معنای دوم است؛ یعنی کسانی که از حقیقت نمازشان غافل‌اند و سهو کرده‌اند، باید مجازات شوند.

کسانی که از حقیقت نماز غافل بوده و در احیای آن سستی می‌ورزند، کسانی که نسبت به فوت شدن حقیقت نماز بی‌تفاوت‌اند، چه گاهی فوت شود و چه همیشه. این نمازگزاران خالی از نفاق نیستند؛ چرا که تکذیب روز جزا تنها به این نیست که کلی آن را منکر شوند؛ بلکه کسی که تظاهر به ایمان می‌کند و نماز مسلمانان را می‌خولند، اما طوری می‌خولند که عملاً نشان می‌دهد از روز جزا بی‌خبر است، او نیز روز جزا را تکذیب کرده است (طباطبایی، ۱۴۰۷: ۳۶۸/۲۰).

مسئله قابل توجه این است که آیه شریفه نمی‌فرماید در نمازشان سهو می‌کنند، زیرا سهو در نماز به هر حال برای هر کسی واقع می‌شود. بلکه می‌فرماید "از اصل نماز سهو می‌کنند" و کل آن را به دست فراموشی می‌سپارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶۱/۲۷). یعنی حقیقت نماز را از آن چیزی که برای آن تشریح شده است تهی می‌کنند.

ترجمه‌ها:

**Emily Assami:** [But] Who Are Heedless Of Their Prayer

(اما) کسانی که از نماز خود غافل هستند.

**Thomas Ballentine Irving:** Who Are Absent-Minded As They Pray

کسانی که به هنگام نماز غافل هستند.

**Thomas Cleary:** Yet Are Inattentive To Their Prayer.

با این حال به نماز خود بی‌توجه هستند.

در این آیه، توجه به معنای کلمه «سَاهُون» در آیه شریفه می‌تولند بهترین ترجمه را معرفی کند. معنای کلمه «سَاهُون» در ترجمه اول «Heedless» گفته شده است؛ این کلمه به معنای توجه نکردن است (<https://dictionary.cambridge.org>).

ترجمه دوم برای کلمه «سَاهُون» از «Absent-Minded» استفاده کرده است؛ به معنای کسی که چیزی را به خاطر اینکه متمرکز بر روی مسئله دیگری است فراموش می‌کند (یعنی همان غفلت فکری و ذهنی)؛ دقت شود که این ترجمه غفلت کردن را مطرح می‌کند، نه توجه نکردن را (<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/absent-minded>).

در ترجمه سوم از کلمه «Inattentive» به معنای کسی که به اندازه کافی توجه نمی‌کند استفاده شده است. در این آیه، بهترین ترجمه، ترجمه سوم است، چون آیه می‌گوید کسانی که از حقیقت نماز غافل‌اند و توجه کافی به حقیقتی که باید نماز در وجود اینها داشته باشد را ندارند (<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/inattentive>).

## ۷. الَّذِينَ هُمْ يُرَآؤْنَ

ترجمه: آنها که ریا می‌کنند.

عبارتی که در این آیه نیاز به بررسی دارد، کلمه «يُرَآؤْنَ» است.

نمازگزاران ریاکار!

«يُرَآؤْنَ» فعل مضارع از ماده «رَأَى» است. مصطفوی درباره این کلمه می‌گوید: «رِثَاءَ النَّاسِ» یعنی «او کاری انجام می‌دهد تا مردم او را ببینند» (مصطفوی، بی‌تا، ۸/۴). قرشی نیز در این باره می‌گوید: «رِثَاء» یعنی تظاهر و نشان دادن، و این است که انسان کاری خوب انجام دهد اما قصدش تظاهر و نشان دادن به دیگران باشد، نه تقرب به خدا (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۶/۳).

جامعه‌ای که به ریاکاری عادت کند، نه تنها از خدا و اخلاق حسنه و ملکات فاضله دور می‌شود، بلکه تمام برنامه‌های اجتماعی او از محتوا تهی می‌گردد و در یک مشت ظواهر فاقد معنا خلاصه می‌شود. چه دردناک است سرنوشت چنین انسان و چنین جامعه‌ای! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۹۴/۵؛ فدائی، ۱۴۰۳).

اینکه از نماز مثال می‌زند می‌تواند به این دلیل باشد که نماز به عنوان مبتلا به‌ترین عملی است که هر مدعی ایمانی آن را انجام می‌دهد و عنوانی فراگیر است. وگرنه می‌توانست به سایر امور دینی مثل پرداخت زکات، خمس، پیروی از امت‌ها در اطاعت الهی و حتی حج که از شعائر الهی است، اشاره کند. پس روشن می‌شود بهترین شاخص برای سنجش و نشان دادن عیار مدعیان ایمان در یک جامعه،



نماز است که روزی پنج بار در مرأی و منظر مردم برگزار می‌شود. همچنین می‌توان این ادعا را مطرح کرد که خداوند مسئولیت ریشه‌کن کردن فقر و مبارزه با علل فقر در جوامع مسلمان را بر دوش نمازگزاران آن جامعه گذاشته است (خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۳۹۸).  
ترجمه‌ها:

### **Emily Assami: Those Who Make Show [Of Their Deeds]**

کسانی که [اعمال خود را] به نمایش می‌گذارند.

### **Thomas Ballentine Irving: Who Aim To Be Noticed**

کسانی که قصد دارند مورد توجه قرار گیرند.

### **Thomas Cleary: Those Who Put On The Appearance**

کسانی که وانمود می‌کنند (ظاهر مطلب را به نمایش می‌گذارند).

هر سه ترجمه معنای ریاکاری، تظاهر و نشان دادن به دیگران را کامل می‌رسانند.

اما وقتی در زبان انگلیسی از ساختار (Structure) مجهول استفاده می‌کنیم، که ساختار آن فعل to be + بخش سوم فعل است، متن حالت رسمی‌تری به خود می‌گیرد. به طور کلی جملات مجهول یا passive پذیرفته‌تر از جملات ساده یا active هستند.

ترجمه اول و سوم جملات active هستند و دارای افعال مرکب (phrasal verbs) هستند، مثل «Make Show» در جمله اول یا «Put On» در جمله دوم. مادامی که رساندن معنا با افعال اصلی و غیر مرکب ممکن باشد، استفاده از این فعل‌های دو جزئی ارجحیت دارد. بنابراین، ترجمه دوم مناسب‌تر است ([abadis.ir/entofa/put-on](https://abadis.ir/entofa/put-on); <https://abadis.ir/entofa/make-a-show-of>; <https://englishturbo.com/blog>).

## ۸. وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

ترجمه: و دیگران را از امور ابتدایی زندگی منع می‌نمایند.

معنای «ماعون»

کلمه «ماعون» که در این آیه نیاز به بررسی دارد، از ریشه «معن» مشتق شده و در اصطلاح به زکات و صدقه تفسیر شده است (فراهیدی، بی‌تا، ۱۶۳/۲). برخی مفسران نیز آن را به معنای «چیز کم‌ارزش» دانسته‌اند و منظور از آن در اینجا، اشیای جزئی و روزمره‌ای است که افراد، به‌ویژه همسایه‌ها، از یکدیگر به‌عنوان عاریه یا تملک می‌گیرند؛ مانند مقداری نمک، آتش (کبریت)، ظروف و موارد مشابه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵/۵۹۵).

مرتضی زبیدی نیز معنای ماعون را شامل هر چیز خوبی می‌داند که به دلیل سهولت و آسانی قابل استفاده باشد. او همچنین اشاره می‌کند که این واژه به معنای باران نیز به کار رفته است؛ چراکه باران، برخلاف آب چاه که نیازمند مشقت برای استخراج است، به راحتی قابل استفاده است (زبیدی، بی تا، ۵۴/۱۸).

معنای انتخاب شده در این نوشتار، «امور ابتدایی و روزمره زندگی» است. آیه به کسی اشاره دارد که اطرافیان خود را از بدیهی ترین و کوچک ترین وسایل مورد نیاز زندگی محروم می‌کند. این رفتار نشان دهنده بی توجهی چنین فردی به احیای معنای حقیقی نماز در جامعه است، چراکه او حاضر نیست هیچ هزینه ای - اعم از مالی، جانی یا آبرویی - برای این امر متحمل شود (حیدری راد، ۱۴۰۳).

#### بررسی ترجمه‌ها

- **Emily Assami:** And Withhold [Simple] Assistance

و از کمک [ساده] خودداری می‌کنند.

- **Thomas Ballentine Irving:** While They Hold Back Contributions

در حالی که آنها کمک‌های خود را ممانعت می‌کنند.

- **Thomas Cleary:** And Yet Are Withholding Assistance

و با این حال از کمک خودداری می‌کنند.

بهترین ترجمه در متون دینی، ترجمه‌ای است که کمترین تصرف را در متن مبدأ داشته باشد و به آن نزدیک تر باشد. ترجمه اول، به دلیل استفاده از کلمه «And» برای معادل سازی واو ابتدایی آیه، این ویژگی را دارد.

کلمه «Withhold» که در ترجمه اول استفاده شده است، رسمی تر و مناسب تر از عبارت «Hold Back» در ترجمه دوم است. عبارات فعلی مانند «Hold Back» حالتی غیررسمی به متن می‌دهند و برای ترجمه‌های مذهبی کمتر مناسب هستند.

از سوی دیگر، اصطلاحات «Assistance» و «Contributions» در ترجمه‌ها نیز قابل بررسی هستند «Assistance». به معنای هر نوع کمک مادی است، در حالی که «Contributions» معنای کمک‌های مالی یا مواردی که به دیگران اهدا می‌شود را بهتر منتقل می‌کند. بنابراین، ترجمه‌ای که از «Contributions» استفاده کرده باشد، دقیق تر است.

ترجمه پیشنهادی: And Withhold (Simple) Contributions



## نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی سه ترجمه انگلیسی از سوره ماعون شامل ترجمه های ام محمد، بالنتین ایروینگ و توماس کلیبری پرداخته است. نتایج نشان می دهد که هر یک از این مترجمان، با توجه به پیشینه فرهنگی و رویکردهای زبانی و تفسیری خاص خود، تفاوت هایی در انتخاب واژگان و ساختار جملات داشته اند که تأثیر مستقیمی بر برداشت مخاطبان انگلیسی زبان از مفاهیم و پیام های سوره گذاشته است.

ترجمه ام محمد با اتخاذ رویکردی سنتی و نزدیک به تفاسیر رایج اسلامی، تلاش کرده است تا مفاهیم قرآنی را با دقت و حفظ معنای عمیق آن ها منتقل کند. این ترجمه با وفاداری به اصالت مفاهیم دینی و معنای واژگان، کمتر به روانی زبان توجه نشان داده است. بنابراین، این ترجمه برای مخاطبانی که با زبان عربی و تفاسیر اسلامی آشنا هستند، مناسب است؛ هر چند ممکن است برای خوانندگان عمومی دشوارتر باشد. با این وجود، اصالت و جامعیت معنایی در آن به خوبی حفظ شده است.

ترجمه بالنتین ایروینگ با رویکردی متوازن تلاش کرده است ضمن حفظ معنای اصلی متن، به جنبه های ادبی و روانی زبان نیز توجه کند. این استراتژی ترجمه را برای مخاطبانی که علاوه بر محتوای دینی به جنبه های زبانی و زیبایی شناختی نیز اهمیت می دهند، مناسب تر ساخته است. با این حال، در برخی بخش ها، ظرایف معنایی متن اصلی کمتر منعکس شده و توجه به جزئیات محتوایی کاهش یافته است.

ترجمه توماس کلیبری با هدف ارائه متنی روان و قابل فهم برای مخاطبان غربی، رویکردی ساده تر و غیر تخصصی تر اتخاذ کرده است. این ترجمه با تأکید بر سادگی و انتقال مفهوم کلی، در برخی موارد از دقت در ارائه جزئیات مفهومی صرف نظر کرده و تفسیرهای آزادانه تری ارائه داده است. این سبک برای خوانندگانی که بیشتر به درک سریع و کلی از پیام های قرآنی علاقه دارند و با زبان و ادبیات عربی کمتر آشنایی دارند، مناسب است. با این حال، در برخی آیات، مانند آیه ششم، این ساده سازی به بهای کاهش دقت و از دست رفتن ظرافت های معنایی انجام شده است.

پژوهش حاضر نشان می دهد که ترجمه متون دینی، به ویژه سوره های قرآنی، به زبانی مانند انگلیسی، چالشی بزرگ است که نیازمند دقت بالا و مهارت کافی در انتخاب معادل های زبانی و توجه به ظرافت های متن اصلی است. هر یک از ترجمه های بررسی شده نقاط قوت و ضعف خاص خود را داشتند: ترجمه ام محمد در حفظ اصالت معنایی، ترجمه ایروینگ در توازن میان دقت و روانی، و ترجمه کلیبری در سادگی و سهولت درک برتری داشتند. با این وجود، کلیبری، با توجه به سبک و مخاطبان هدف خود، عملکردی بهتر در انتقال پیام های سوره داشته است، هر چند در برخی موارد مانند آیه ششم لغزش هایی مشاهده شد.

این پژوهش تأکید می‌کند که انتخاب ترجمه مناسب برای مطالعه بستگی به نیازها و اهداف مخاطب دارد. برای پژوهشگران و دانشجویان مطالعات دینی که به دنبال درکی دقیق‌تر از مفاهیم قرآنی هستند، ترجمه‌های دقیق‌تری مانند ترجمه ام‌محمد مناسب‌تر است، در حالی که برای مخاطبان عمومی یا کسانی که به دنبال درکی سریع و کلی از محتوا هستند، ترجمه‌های روان‌تر مانند کلیری پیشنهاد می‌شود. همچنین، این مطالعه بر اهمیت دانش عمیق زبان‌شناسی و تفسیری مترجمان برای ارائه ترجمه‌هایی که جزئیات معنایی و زیبایی‌شناختی متن اصلی را به خوبی منعکس کنند تأکید دارد و نشان می‌دهد که غفلت از این موضوع می‌تواند به ضعف‌هایی در ترجمه منجر شود.





## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، بی تا.
۴. امین شیرازی، احمد، آئین بلاغت: شرح مختصر المعانی، ۱۳۷۱ش.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۷. حجتی، محمدباقر، تاریخ ترجمه قرآن به زبان های اروپایی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴ش.
۸. دراز، عبد الله، الترجمة و التفسیر فی القرآن، تهران: دارالقلم، ۱۹۶۸م.
۹. درویش، محی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانه، سوریه: الارشاد، ۱۴۱۵ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، بی تا.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب، ۱۴۰۷ق.
۱۳. شوکانی، محمد، فتح القدر، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ق.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۱۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبة الصدر، ۱۴۱۵ق.

۲۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۲۱. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن تهران، بی نا، ۱۳۷۱ش.
۲۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ناصر خسرو - ایران - تهران، ۱۳۶۴، چاپ اول.
۲۳. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، بیروت، بی نا، بی تا.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، بی نا، بی تا.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، علی بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۸۲ش.
۲۷. حیدری راد، طیبه؛ نقیب، سیدمحمد، «واکاوی زبان چندوجهی قرآن در گزاره های تمثیلی»، دو فصلنامه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، سال هشتم، شماره ۱، ۱۴۰۳ش.
۲۸. زمانی، محمدحسن؛ قافی، نجمه، «بررسی نقاط قوت و ضعف جلد اول تفسیر معاصرانه قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال نوزدهم، شماره ۳۶، ۱۴۰۳ش.
۲۹. زمانی، محمدحسین؛ اسکندرلو، محمدجواد، «بررسی شبهات مستشرقان پیرامون صلاحیت دین در نظریه پردازی در حکومت»، دو فصلنامه علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال نوزدهم، شماره ۳۶، ۱۴۰۳ش.
۳۰. فدائی، احسان؛ کاویانی آرانی، محمد، «الگوی مفهومی آرمان شهر انگیزشی در تمدن سازی قرآن کریم»، فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، شماره ۳، ۱۴۰۳ش.
۳۱. قاسمی شوب، محمد؛ نبوی، سیدمجید، «بررسی سبک زندگی از منظر آیت الله خامنه ای با تأکید بر رویکرد، مبنا و نحوه اجرا»، فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۱، ۱۴۰۱ش.
32. Abdel Haleem, M.A.S., The Qur'an in English Translation, Oxford University Press, 2004.
33. Cleary, Thomas, The Qur'an: A New Translation, Starlatch, LLC, 2020.
34. Irving, Thomas Ballantine, The Holy Quran: Text, Translation & Commentary, 3rd Edition, 1938.
35. Murphy, Raymond, English Grammar in Use (Intermediate - Fifth Edition),



- Cambridge University Press, Cambridge, 2019.
36. Umm Muhammad (Emily Assami), *The Quran: Saheeh International*, ABUL-QASIM PUBLISHING HOUSE, 1997.
  37. <https://abadis.ir/entofa>.
  38. <https://abidic.com/word>.
  39. <https://alhamdulillah.org>.
  40. <https://blog.quranmajeed.com/what-is-the-day-of-judgment-in-islam>.
  41. [https://dic.b-amooz.com/en/dictionary/w?word=rebuff#rebuff\\_noun\\_1](https://dic.b-amooz.com/en/dictionary/w?word=rebuff#rebuff_noun_1).
  42. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english>.
  43. [https://en.m.wikipedia.org/wiki/Judgement\\_Day\\_in\\_Islam](https://en.m.wikipedia.org/wiki/Judgement_Day_in_Islam)
  44. <https://englishturbo.com/blog>.
  45. <https://eshraghtrans.com/.post/raveshhayeh-tarjomeye-motune-mazhabi>.
  46. <https://fastdic.com/word/contribution>.
  47. [https://islamicbulletin.org/free\\_downloads/quran/quran\\_basic\\_teachings.pdf](https://islamicbulletin.org/free_downloads/quran/quran_basic_teachings.pdf).
  48. <https://javadi.esra.ir/fa>.
  49. <https://kitaabun.com/shopping3/quran>.
  50. <https://m.clearquran.com/107.html>.
  51. <https://web.archive.org/web/20091214205315/http://www.fonsvitae.com/quranclary.html>.
  52. <https://www.al-islam.org>.
  53. <https://www.arabnews.com/node/362726>.
  54. <https://www.dictionary.com/browse/poor>.
  55. [https://www.eurasia.org.uk/docs/academic/books/Islamic\\_Thought\\_an\\_Introduction.pdf](https://www.eurasia.org.uk/docs/academic/books/Islamic_Thought_an_Introduction.pdf).
  56. <https://www.islamawakened.com>.
  57. <https://www.Ldoceonline.Com>.
  58. <https://www.merriam-webster.com>.

## Resources

1. *Qur'ān Karīm (The Holy Qur'ān)*.
2. Abdel Haleem, M.A.S., *The Qur'an in English Translation*, Oxford University Press, 2004.
3. Ālūsī, Maḥmūd bin 'Abd Allāh, *Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafṣīr al-Qur'ān al-'Aẓīm wa al-Sab' al-Mathānī (The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Oft-Repeated Verses)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyah (Scientific Books Circle Press), 1415 AH (1994 CE).
4. Amīn Shīrāzī, Aḥmad, *Ā'm-i Balāghat: Sharḥ-i Mukhtaṣar al-Ma'ānī (The Principles of Rhetoric: A Commentary on Mukhtaṣar al-Ma'ānī)*, 1371 SH (1992 CE).
5. Cleary, Thomas, *The Qur'an: A New Translation*, Starlatch, LLC, 2020.
6. Darāz, 'Abd Allāh, *Al-Tarjamah wa al-Tafṣīr fī al-Qur'ān (Translation and Interpretation in the Quran)*, Tehran: Dār al-Qalam (Al-Qalam Press), 1968 CE.
7. Darwīsh, Muḥyī al-Dīn, *I'rāb al-Qur'ān al-Karīm wa Bayānuh (The Grammatical Analysis and Elucidation of the Noble Quran)*, Syria: Al-Irshād (Al-Irshad), 1415 AH (1994 CE).
8. Fadā'ī, Iḥsān; Kāviyānī Ārānī, Moḥammad, *"Ulgu-yi Maḥmūd-i Ārāmān'shahr-i Inghizāshī dar Tamaddun'sāzī-i Qur'ān-i Karīm" (The Conceptual Model of the Motivational Utopia in the Civilization-Building of the Quran)*, Faṣl'nāmah-i Qur'ān, Farhang wa Tamaddun (Quarterly Journal of Quran, Culture, and Civilization), Issue 3, 1403 SH (2024 CE).
9. Fakhr al-Rāzī, Moḥammad bin 'Umar, *Al-Tafṣīr al-Kabīr (Maḥfūẓ al-Ghayb) (The Great Interpretation: The Keys to the Unseen)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī (Arabic Hermitage Revival Publications), 1420 AH (1999 CE).
10. Farāhīdī, Khalīl bin Aḥmad, *Kitāb al-'Ayn (The Book of the Source)*, Qom: Nashr-i Hijrat (Hijrat Publishing), 1409 AH (1988 CE).
11. Fayḍ Kāshānī, Moḥammad bin Shāh Murtaḍā, *Tafṣīr al-Ṣāfi (The Pure Interpretation)*, Tehran: Maktabat al-Ṣadr (Sadr Library), 1415 AH (1994 CE).
12. Ḥaydarī-Rād, Ṭayyibah; Naqīb, Sayyid Moḥammad, *"Wākāwī-i Zabān-i Chand-Wajhī-i Qur'ān dar Gurū'hā-yi Tamthīlī" (Analysis of the Multifaceted Language of the Quran in Allegorical Statements)*, Dū Faṣl'nāmah-i Muṭālī'āt-i Sabk Shināsī-i Qur'ān-i Karīm (Biannual Journal of Quranic Stylistic Studies), Year 8, Issue 1, 1403 SH (2024 CE).
13. Ḥujjatī, Moḥammad Bāqir, *Tārīkh-i Tarjumah-i Qur'ān bih Zabānhā-yi Ūrūpā'ī (The History of Quran Translation into European Languages)*, Tehran: Sāzmān-i Chāp wa Intishārāt-i Wizārat-i Farhang wa Irshād-i Islāmī (Organization of Printing and Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance), 1394 SH (2015 CE).
14. Ibn Fāris, Aḥmad bin Fāris, *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah (The Scale of Language)*, Qom: Maktab al-Islāmī (Islamic Library Press), 1404 AH (1984 CE).
15. Ibn Manzūr, Moḥammad bin Mukarram, *Lisān al-'Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: n.d.



16. Irving, Thomas Ballantine, *The Holy Quran: Text, Translation & Commentary*, 3rd Edition, 1938.
17. Jawharī, Ismā'īl bin Ḥammād, *Al-Ṣiḥāḥ (The Authentic Source of Hadith)*, Beirut: Dār al-'Ilm lil-Malāyīn (Scientific Centre for Millions Press), 1376 AH (1956 CE).
18. Makārim Shīrāzī, Nāṣir, and 'Alī Bābā'ī, Aḥmad, *Barguzīdah-i Tafsīr-i Nimūnah (Selections from the Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Press), 1382 SH (2003 CE).
19. Makārim Shīrāzī, Nāṣir, *Tafsīr-i Nimūnah (The Exemplary Interpretation)*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Press), 1371 SH (1992 CE).
20. Murphy, Raymond, *English Grammar in Use (Intermediate - Fifth Edition)*, Cambridge University Press, Cambridge, 2019.
21. Murtaḍā Zubaydī, Moḥammad bin Moḥammad, *Tāj al-'Arūs (The Crown of the Bride)*, Beirut: n.p., n.d.
22. Muṣṭafawī, Ḥasan, *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur'ān al-Karīm (The Investigation into the Words of the Noble Quran)*, Beirut: n.p., n.d.
23. Qarā'atī, Muḥsin, *Tafsīr-i Nūr (The Light Interpretation)*, Tehran: Markaz-i Farhangī-i Dars'hā-yi az Qur'ān (Cultural Center of Lessons from the Quran Press), 1388 SH (2009 CE).
24. Qarashī, 'Alī Akbar, *Qāmūs-i Qur'ān (The Quranic Lexicon)*, Tehran: n.p., 1371 SH (1992 CE).
25. Qāsimī Shūb, Moḥammad; Nabavī, Sayyid Majīd, "Barrasī-i Sabk-i Zindagī az Manzar-i Āyat Allāh Khāminih 'ī bā Ta'kīd bar Rawīkard, Mabnā wa Nahw-i Ijrā" (Examining the Lifestyle from the Perspective of Ayatollah Khamenei with Emphasis on Approach, Foundation, and Implementation), *Faṣl'nāmah-i Qur'ān wa 'Ulūm-i Ijtīmā'ī* (Quarterly Journal of Quran and Social Sciences), Year 2, Issue 1, 1401 SH (2022 CE).
26. Qurṭubī, Moḥammad bin Aḥmad, *Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān (The Comprehensive Collection of Quranic Rulings)*, Tehran: Nāṣir Khusraw (Naser Khosrwo Press), 1364 SH (1985 CE), 1<sup>st</sup> Edition.
27. Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn bin Moḥammad, *Mufradāt Alfāz al-Qur'ān (The Vocabulary of Quranic Terms)*, Beirut: n.d.
28. Shawkānī, Moḥammad, *Faṭḥ al-Qadīr (The Victory of the Almighty)*, Damascus: Dār Ibn Kathīr (Ibn Kathir Publications), 1414 AH (1993 CE).
29. Ṭabarī, Moḥammad bin Jarīr, *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān (The Comprehensive Explanation in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Dār al-Ma'rifah (Al-Ma'rifah Publications), 1412 AH (1991 CE).
30. Ṭabāṭabā'ī, Moḥammad Ḥusayn, *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān (The Balance in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Mu'assasat al-'Alamī lil-Maṭbū'āt (Al-'Alami Foundation for Publications), 1390 AH (1970 CE).
31. Ṭabrisī, Faḍl bin Ḥasan, *Tafsīr Jawāmi' al-Jāmi' (The Comprehensive Interpretation)*, Qom: Ḥawzah 'Ilmīyah Qom, Markaz-i Mudīrīyat (Qom Seminary, Management Center Press), 1412 AH (1991 CE).
32. Umm Mohammad (Emily Assami), *The Quran: Saheeh International*, Abul-Qasim Publishing House, 1997.



33. Zamakhsharī, Maḥmūd bin 'Umar, *Al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa 'Uyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Ta'wīl* (The Unveiler of the Realities of the Subtleties of Revelation and the Sources of Opinions on Aspects of Interpretation), Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī (Arabi Books Press), 1407 AH (1986 CE).
34. Zamakhsharī, Maḥmūd bin 'Umar, *Al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa 'Uyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Ta'wīl* (The Unveiler of the Realities of the Subtleties of Revelation and the Sources of Opinions on Aspects of Interpretation), Beirut: Dār al-Kitāb (Book Center Press), 1407 AH (1986 CE).
35. Zamānī, Moḥammad Ḥasan; Qāfī, Najmah, "Barrasī-i Nuqāt-i Qūwat wa Ža'f-i Jild-i Awwal-i Tafṣīr-i Mu'āṣirānah-i Qur'ān-i Karīm" (Examining the Strengths and Weaknesses of the First Volume of the Contemporary Interpretation of the Quran), Dū Faṣl'nāmah-i 'Ilmī-i Qur'ān Pajūhī-i Khāwar'shināsān (Biannual Scientific Journal of Quranic Studies of Orientalists), Year 19, Issue 36, 1403 SH (2024 CE).
36. Zamānī, Moḥammad Ḥusayn; Iskandar-Loo, Moḥammad Jawād, "Barrasī-i Shubuhāt-i Mustashriqān Pīrāmūn-i Ṣalāḥiyat-i Dīn dar Naẓarīyah'pardāzī dar Ḥukūmat" (Examining the Doubts of Orientalists Regarding the Competence of Religion in Theorizing Governance), Dū Faṣl'nāmah-i 'Ilmī-i Qur'ān Pajūhī-i Khāwar'shināsān (Biannual Scientific Journal of Quranic Studies of Orientalists), Year 19, Issue 36, 1403 SH (2024 CE).
37. <https://abadis.ir/entofa>.
38. <https://abidic.com/word>.
39. <https://alhamdulillah.org>.
40. <https://blog.quranmajeed.com/what-is-the-day-of-judgment-in-islam>.
41. [https://dic.b-amooz.com/en/dictionary/w?word=rebuff#rebuff\\_noun\\_1](https://dic.b-amooz.com/en/dictionary/w?word=rebuff#rebuff_noun_1).
42. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english>.
43. [https://en.m.wikipedia.org/wiki/Judgement\\_Day\\_in\\_Islam](https://en.m.wikipedia.org/wiki/Judgement_Day_in_Islam)
44. <https://englishturbo.com/blog>.
45. <https://eshraghtrans.com/.post/raveshhaye-tarjomeye-motune-mazhabi>.
46. <https://fastdic.com/word/contribution>.
47. [https://islamicbulletin.org/free\\_downloads/quran/quran\\_basic\\_teachings.pdf](https://islamicbulletin.org/free_downloads/quran/quran_basic_teachings.pdf).
48. <https://javadi.esra.ir/fa>.
49. <https://kitaabun.com/shopping3/quran>.
50. <https://m.clearquran.com/107.html>.
51. <https://web.archive.org/web/20091214205315/http://www.fonsvitae.com/quranclerary.html>.
52. <https://www.al-islam.org>.
53. <https://www.arabnews.com/node/362726>.
54. <https://www.dictionary.com/browse/poor>.
55. [https://www.eurasia.org.uk/docs/academic/books/Islamic\\_Thought\\_an\\_Introduction.pdf](https://www.eurasia.org.uk/docs/academic/books/Islamic_Thought_an_Introduction.pdf).
56. <https://www.islamawakened.com>.
57. <https://www.Ldoceonline.Com>.
58. <https://www.merriam-webster.com>.